

واکاوی مفهوم آرمانشهر در تفکر سیاسی علی (ع)

رضا خزاعی* - کارشناس ارشد ایران‌شناسی - تاریخ، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

مریم کامیار - دکترای پژوهش هنر و عضو هیئت علمی بنیاد دانشنامه نگاری ایران، تهران، ایران.

Analysis of the Concept of Utopia in Political Thought of Imam Ali (AS)

Abstract

Utopia can be considered as one of the oldest human aspirations; where man had only one wish and that was the realization of happiness and prosperity along with justice and equality. Many thinkers and philosophers such as Socrates, Plato, Farabi, and Mulla Sadra had always sought to explain the idea of a utopia throughout history. Imagination of an ideal society for mankind covers a major part of the discussions on the history of human philosophy and this human aspiration has always been exposed to discuss and challenge. This challenge is towards a real approach to the city in which large and small social groups benefit from a prosperous life, full of grace and equality at all levels. We know that many great men throughout history have always sought to establish a utopian and social justice-oriented government. Although their efforts and suffering should not be ignored, they ultimately may have reached their utopia only to some extent. In this study, after referring to the concepts and theories of utopia, part of the political history of the life of Ali (AS) is described and, among the historical social interactions in the era of Ali (AS), an unequivocal response will be given for proving the existence of the idea of a utopia during the caliphate of Imam Ali (AS).

Keywords: Utopia, Imam Ali (AS), Justice, Politics

چکیده

آرمانشهر را می‌توان جزء دیرین‌ترین آرزوهای بشر دانست. آنجایی که بشر تنها یک آرزو داشت و آن تحقق خوشبختی و سعادت در کنار اجرای عدالت و برابری بود. در طول تاریخ همواره متفکران و فلاسفه‌ی بسیاری از سقراط و افلاطون گرفته تا فارابی و ملاصدرا، در اندیشه‌ی تبیین یک آرمانشهر بوده‌اند. تصور یک جامعه‌ی آرمانی برای نوع انسان، بخش عمده‌ای از مباحث تاریخ فلسفه‌ی بشری را به خود اختصاص داده و تا امروزه این آرمان بشری همواره مورد بحث و چالش بوده است. چالش در باب رهیافتی واقعی به سمت شهری که در آن گروه‌های اجتماعی کوچک و بزرگ در کنار هم از یک زندگی سعادت‌مند و سرشار از فضل و برابری در تمامی سطوح برخوردار گردند. می‌دانیم که بسیار مردان بزرگی در طی تاریخ همواره در پی بنا نهادن یک حکومت آرمانی و اجتماعی عدالت محور بوده‌اند. اگرچه نمی‌توان از کنار تلاش‌ها و مصائب راه آنان گذشت، اما در نهایت هرکدام شاید تنها به درجه‌ای از آرمانشهر مقصود خود رسیده‌اند. در این پژوهش پس از اشاراتی به مفاهیم و تئوری آرمانشهر، بخشی از تاریخ سیاسی زندگی علی (ع) را توصیف نموده و سپس در میان کنش‌های تاریخی جامعه‌ی دوران علی (ع) در پی تبیین پاسخی برای اثبات وجود اندیشه‌ی یک آرمانشهر در دوران خلافت ایشان خواهیم بود.

واژگان کلیدی: آرمانشهر، حضرت علی (ع)، عدالت، سیاست.

این پژوهش به صورت ماهوی در چهارچوب های بنیادی قرار می گیرد. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی- تحلیلی می باشد که از ابزارهای گوناگونی برای گرد آوری داده ها استفاده شده است. در مسیر طی مراحل پژوهش از مطالعات کتابخانه ای و مدارک موجود در جهت روشن شدن این موضوع بهره جستیم. از آنجایی که روش مورد استفاده در این پژوهش توصیفی- تحلیلی است، لذا پس از بررسی کتب و منابع و پژوهش های صورت گرفته در باب آرمانشهر و تاریخ سیاسی زندگانی علی (ع)، به تحلیل داده ها و پاسخ به سوالات و فرضیات پرداخته شد.

پیشینه تحقیق

تالیفات گسترده ای در باب مفاهیم آرمانشهر از همان ابتدای شکل گیری آن در یونان باستان اعم از نظریات افلاطون و سقراط و ارسطو تا دران اسلامی توسط فلاسفه ی جهان اسلام همچون ابن خلدون در مقدمه ی معروفش و توسط شیخ اشراق و صدرالمتألهین صورت پذیرفته. در غرب و در انگلیس نیز توماس مور در رساله ادبی خود به نام آرمان شهر، به توصیف جزیره ای آرمانی و امن پرداخته که همه ساکنان این جزیره که در ۵۴ شهر بزرگ و زیبا زندگی می کنند. همچنین فرانسویس بیکن انگلیسی در کتاب «آتلانتیس نوین»، از آرمان شهری سخن گفته که در آن، عدالت و تقوا حاکم است. فرانسویس فوکویاما از فلاسفه سیاسی قرن حاضر در امریکا است. وی در نظریه خود، ادعا کرده که لیبرال دموکراسی، آخرین و بهترین شکل دولت برای همه ملل جهان است و جهانی شدن این حکومت، پایان تاریخ بشر خواهد بود. از میان پژوهش های اخیر می توان به کتاب ژان ایولاکروا با عنوان اوتوپیا توماس مور و سنت افلاطونی اشاره کرد. همینطور پژوهشگران و فلاسفه ی بسیاری در غرب به تعریف و تبیین آرمانشهر پرداخته اند. اما بررسی آرمانشهر در حکومت سلامی را فارابی آغاز نمود و پس از او به صورت جسته و گریخته پژوهش هایی صورت

در پرداخت اجتماعی اندیشه بشر، به دروازه هایی می رسیم که اگرچه در طی تاریخ به ندرت باز شده اند اما همواره محل بحث بوده و قسمتی از تعلقات و آمال بشری را به خود اختصاص داده اند. آرمانشهر یا مدینه فاضله از آن دسته است که بشر به ندرت توانسته به حد کمال آن را به ظهور رسانده و از طرفی امیدوارانه غصه دار عدم تحقق این آمال خویش بوده است. بهشت را اگر تجسم تمامی آمال آدمی بدانیم، شاید آرمانشهر را بتوان همانگونه قطعه ای از بهشت تصور کرد. در جوامع بشری مختلف در ادوار متفاوت تاریخی بشر به دنبال تحقق این اندیشه ی مرقی بوده است و در راهش تلاش های بی وقفه ای را روا داشته است. با ورود اسلام و تشکیل حکومت اسلامی تحت تعالیم متعالی قرآن و اندیشه ی نبوی، اندیشه ی آرمانشهر موعود نیز شروع به تحرک نمود. بیراه نیست اگر هسته ی اولیه ظهور اسلام در شبه جزیره را ایجاد همین مدینه ی فاضله بدانیم. اگرچه پیامبر اسلام و پیروانش راه سختی را برای تثبیت و تبلیغ دین اسلام پشت سر نهادند، اما هرگز اندیشه ی آنها خالی از رسیدن به حق باوری و عدالت مندی اجتماعی در آن روزگار نبود. تلاش های بی وقفه پیامبر هم در مدینه نبوی و هم پس از فتح مکه همه و همه گواه ساخت زیربنایی محکم برای ایجاد تفکر آرمانی مدیمه فاضله بود. پس از ایشان این مسیر دچار خلل و فراز و فرودهایی گشت تا اینکه با به خلافت رسیدن علی (ع)، جهان اسلام وارد مرحله ی جدیدی از تاریخ اجتماعی خویش گردید. اینجاست که جرقه های تشکیل آرمانشهر علوی شکل می گیرد. در این پژوهش در پی واکاوی تفکرات سیاسی علی (ع) در زمان کوتاه خلافت جامعه اسلامی و تبیین اصول جامعه ی تحت حاکمیت ایشان هستیم و سعی خواهیم کرد که به طور روشن تری دغدغه مندی آرمانشهر را از منظر ایشان به بحث بگذاریم.

یا چیزی است که آدمی، طالب و خواهان آن است. به تعبیر دیگر، آرمان، به معنای مطلق، چیزی است که عقل و عاطفه را کاملاً ارضا نماید. به همین جهت سیای می گوید: «آرمان، چیزی نیست جز حرکت طبیعی فکر به سوی حیاتی که دارای هم آهنگی تام است» (صلیبا، ۱۳۷۰، ص ۱۵۱). بر این اساس، آرمان اجتماعی در هر جامعه، یعنی تصویری از یک نظم فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... که اکثریت مردم در تنظیم رفتار خویش آن را به عنوان مرجع می شناسند و در اندیشه ی آن مردم، چنین تصویری از یک نظم عالی هم چون داده ای عادی تجلی نمی کند؛ بلکه به عنوان گونه ای نمونه و خاص در ذهن متبادر می شود. رسمیت و رواج ارزش های غالب، شکل و صورت سلسله مراتب ارزش های پذیرفته شده، آرمانی را که افراد از جامعه در ذهن دارند، تشکیل می دهند. «آرمان های جمعی و اجتماعی خصایص ویژه خود را دارند و گاه با آرمان های فردی تناسب ندارند. آرمان گرایان اجتماعی همواره در همه ی جوامع به دنبال فراهم آوردن و تحقق جامعه ی آرمانی بوده اند» (بیرو، ۱۳۶۶، ص ۱۶۶).

در فرهنگ علوم اجتماعی، جامعه ی آرمانی چنین تعریف شده است: «جامعه ی آرمانی، چنان جامعه ای است که در آن اصل عقلانی مبتنی بر هم بستگی، بر شرایط طبیعی در تکوین سازمان اجتماعی مسلط شود. در آن، قوانین برای تحقق مطلوبی والا و مشترک و بدون توجه به افرادی خاص پدید می آیند و این قوانین، رفتار ما را در اعمال عدالت و با در نظر گرفتن منافع دیگران، تنظیم و تنسيق می کنند» (بیرو، ۱۳۶۶، ص ۳۸۹).

آرمان شهر، اتوپیا (utopia)

جامعه ی آرمانی، در اصطلاح متفکران اسلامی و مترجمان فلسفه ی یونان و آثار افلاطون، مدینه ی فاضله و در تعبیر جامعه شناسان، مترجمان و پژوهندگان فلسفه ی غرب، آرمان شهر، اتوپیا و در ادبیات فارسی، ناکجا آباد، شهر بی مکان و بی نام شهر، نامیده شده است. به گفته برخی، تعریف آرمان

پذیرفت تا اینکه امروزه بررسی آرمانشهر اسلامی را عده ای از پژوهشگران در حکومت مهدی موعود (عج) به مباحثه گذاشته اند: متفکرانی همچون علامه جوادی عاملی، جوادی اکبری مطلق و غیره. اما به صورت خاص تا کنون پژوهشی در باب بررسی تفکرات علی (ع) و کنکاش یک آرمانشهر در نظریات و حکومت ایشان صورت نپذیرفته است. سوالات و فرضیات عبارتند از:

۱. آیا می توان وجود یک آرمانشهر را با توجه به فاکتور مشترک آرمانشهرهای متفکران غربی و شرقی به جامعه ی اسلامی تحت حاکمیت سیاسی علی (ع) نسبت داد؟

۲. آیا ایجاد و فرجام آرمانشهر علوی را می توان با نشانه های گفتمان امروزی سنجید و آن را محکوم به شکست دانست؟

جامعه ی آرمانی

واژه ی جامعه به لحاظ لغوی، اسم فاعل مؤنث از مصدر و بن جمع است. که خود به معنای گردآوردن امور متفرق، می باشد. در نتیجه به معنای گرد آورنده، فراهم آورنده و بر هم افزاینده است. این واژه در عرف بر معنا و مصادیقی هم چون انجمن، اتحادیه، مجمع، برگزیده، جرگه، اجتماع، مجتمع، حوزه، حلقه، هیئت، مردم یک کشور، یک شهر و یا ده یا گروهی از مردم که برای رسیدن به هدف مخصوص تحت قواعد معین گرد هم جمع آمده اند (آراسته خو، ۱۳۷۰، ص ۴۵۵). واژه ی جامعه معادل society و مشتق از ریشه لاتین societas اجتماع و جمع یا شریک و هم نشین می باشد. لغت شناسان، واژه ی آرمان را به معنای آرزو و امید دانسته اند، هم چنین این واژه به معنای حسرت، اندوه، تحسّر، رنج بردن، پشیمانی و افسوس نیز آمده است (معین، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۴۴). آرمان در زبان های فرانسه و انگلیسی، معادل واژه ی ideal عقیده و نظر مطلوب است و ایدئال از ریشه لاتین idealis به معنای عقیده و نظر مطلوب و کمال مطلوب، پندار، آرزو و امید آمده است (آراسته خو، ۱۳۷۰، ص ۶۱). در اصطلاح، آرمان، امر

شهر بسیار دشوار و تردید آمیز می نماید. منشأ این دشواری، آشفتگی در معنا است. اینک به تعریف اصطلاحات پیش گفته اشاره می شود:

مدینه فاضله یا جامعه برتر

طرح کلی جامعه که نمایانگر آرمان موجود در هر مکتب اجتماعی، با توجه به زیر بنای فلسفی و اعتقادی آن مکتب است و بر اساس اصول بنیادین، خواسته ها و ارزش های موجود در هر مکتب مطرح می گردد، مدینه فاضله نامیده می شود (سادات، ۱۳۶۰، ص ۷۳).

آرمان شهر

اصطلاحی است که در ترجمه ی واژه ی اتوپیا به کار برده می شود. برخی آرمان شهر را عبارت از هرگونه نظم اجتماعی آرمانی دانسته اند. آرمانشهر را «کمال مطلوب سیاسی یا اجتماعی تحقق ناپذیری که واقعیت ها، طبیعت انسان و شرایط زندگی در آن ملحوظ نشده اند» (روویون، ۱۳۸۵، ص ۵). برخی نیز آن را چنین معرفی نموده اند: «کشوری خیالی است که در آن جا زندگی مردم، کامل و قرین رستگاری است؛ جایی است دست نیافتنی که تصویر آن در افق آرزوی آدمی همواره نمونه خیر برین و زیبایی و کامیابی است» (اصیل، ۱۳۸۱، ص ۱۵).

آرمانشهر افلاطونی

افلاطون مشکل جامعه زمان خویش را کنار نهادن فلاسفه می داند و می گوید «در این نظام صاحبان قدرت از حکمت و فضیلت به دور هستند. فلذا به تدریج دچار حرص و فزون خواهی و تکاثر اموال می گردند» (پازارگاد، ۱۳۵۹، ص ۷۹). افلاطون در نظریه مُثل خود به این نتیجه می رسد که نظام های سیاسی موجود نمی توانند یک نظام سیاسی ایده آل باشند و جامعه تحت یلطفه خویش را به سامان و صلاح رهنومن کنند. بنابراین باید دنبال یک نظام سیاسی با ثبات بود. افلاطون این نظام با ثبات را در جامعه ای می بیند که فرمانروایش کسی باشد که به مقام درک حقایق (مُثل) رسیده است؛ چراکه او به حقیقت نزدیک تر است. پس مشکلات جوامع زمانی

به پایان می رسد که فیلسوفان به مقام شهریاری برسند یا شهریاران فیلسوف باشند (افلاطون، ۱۳۶۰، ص ۵۴۵).

مدینه فاضله فارابی

مدینه فاضله به عنوان حکومت آرمانی همواره مورد توجه بشریت قرار داشته است. فارابی مدلی از این جامعه بشری را پی ریزی نموده که گمان می رود، مدیریت آن از اصول سیاسی مذهب شیعه اخذ شده باشد. مدینه فاضله فارابی اشاره به همان مدینه فاضله ای دارد که در ضل کفایت و مدیریت پیامبر اسلام (ص) به وجود آمده است. لذا هدف غایی و اصلی فلسفه سیاسی آرمانشهر فارابی، کسب سعادت از مجرای شریعت پیامبر است.

«محور مدینه فاضله فارابی، انسان کامل است که او دارنده تمامی فیوضات است و وجودی است که در قالب نبی، امام، رئیس اول، واضع نوامیس، ملک، فیلسوف و مدیر بر محوریت این مدینه قرار دارد. که این خود بر تفکرات سیاسی شیعه منطبق است» (حسینی، ۱۳۸۸، ص ۵۴). مدینه فاضله در اندیشه فارابی، از تمامی گیتی آغاز می شود و در کوچکترین حد خود، به شهر اطلاق می گردد. چنین نگرشی، علاوه بر اینکه از مفهوم اسلامی دارالاسلام سرچشمه می گیرد، کمی فراتر از محدوده ی جغرافیایی ملت های اسلامی است (ادیب خواه، ۱۳۹۴، ص ۴۷). فارابی معتقد است که هدف از خلقت و آفرینش انسان و همچنین هدف از اجتماع انسان در محلی واحد به نام شهر، رسیدن او به سعادت است. برای تحقق این سعادت، لازم است که انسان در ابتدا سعادت را بشناسد و آنچه که موجب وصول به سعادت است، را دریابد. چون کسی به خودی خود این مسیر را نمیشناسد، پس یقیناً این جامعه نیاز به مرشد خواهد داشت. این مرشد همان رئیس اول است که در راس هرم قدرت سیاسی قرار دارد. در نظر فارابی رئیس اول، آن کسی است که شخص دیگری بر او ریاست ندارد و او در هیچ موردی نیازمند ریاست شخص دیگری نیست، بلکه بدان مرتبه رسیده که

همه ی علوم و معارف را بالفعل دارد و در هیچ امری نیازمند رهبری و هدایت کسی دیگر نیست (فارابی، سیاست المدینه ۱۹۹۳، ۷۸، ص ۷۹).

بنابراین و بر طبق فلسفه ی فارابی همواره یک شخص (انسان کامل) می تواند زمامدار یک مدینه فاضله باشد. فلسفه وجودی مدینه فاضله فارابی، رساندن انسان ها به سعادت است. همچنان که هدف غایی ریاست در مدینه، تسهیل راه های تحصیل سعادت برای اهل آن شهر است. اداره غایی مدینه در فلسفه او به دست خدایی است، که عقل فعال را فرشته ی نگهبان مدینه و واسطه فیض او به قوای ناطقه و متخیله ی رئیس از طریق او، به جمیع اهالی مدینه قرار داده است. سعادت، پاداش کار نیک و ترک کار زشت نیست، بلکه نتیجه ی آن است (فارابی، ۱۹۹۳، ص ۸۲).

اگرچه از ابتدای شکل گیری مفهوم آرمانشهر در ذهن بشریت تا زمانی که ابتدایی ترین جرقه های نظام مندی این تفکر در ذهن فلاسفه یونان شکل گرفت و در جریان تکامل این روند همواره هر تفکری که در توان داشته از منظر خود آرمانشهری را ترسیم نموده است. اما مراد ما از طرح دیدگاه های مختلف شرقی و غربی این است که به این ادراک برسیم که در اغلب آرمانشهرهای توصیف یافته، یک اجتماع مدنی-آرمانی مبتنی بر نوعی شخصیت محوری شکل گرفته است و وجود یک راهبر و مراد برای هدایت و زعامت جامعه ضروری قلمداد شده است. در اینجا به طرح بحث اساسی این پژوهش می پردازیم و به بررسی یک شخصیت محوری در تاریخ اسلام یعنی امام اول شیعیان می پردازیم. فارغ از هرگونه قضاوتی به واکاوی تفکرات و ایدئولوژی سیاسی ایشان را خواهیم پرداخت.

علی (ع) در روند جریانات سیاسی پس از پیامبر

پس از کشته شدن عثمان، چشم شورشیان به علی (ع) افتاد و از او خواستند تا زمام خلافت را بر عهده بگیرد. اما او از قبول این پیشنهاد خودداری نمود. پس از حکومت عثمان و تبعاتی که حاکمیت او

و یانش بر جامعه اسلامی وارد نموده بودند، یک نوع حس قیام و انقلاب در میان مردم شکل گرفته بود. علی (ع) می خواست تا حدودی به این نتیجه برسد که مردمی که خواستار زمامداری او هستند در این شرایط خاص جامعه ی اسلامی به چه میزان توانایی تحمل روش انقلابی او را خواهند داشت. از این رو فرمود: «مرا واگذارید و از دیگری التماس کنید. ما به کاری روی آورده ایم که آن را روی و رنگ هاست. دل بر آن کار نمی شکبید و خرد تحمل آن نمی تواند کرد. همانا که آفاق را خشم و کین فرا گرفته است و راه راست دگرگون گردیده است. بدانید که اگر من گفته ی شما را بپذیم، با شما چنان که می دانم کار خواهم کرد و به گفته ی هیچکس و نکوهش هیچ فردی گوش نخواهم داد و اگر مرا واگذارید، یکی از شمایم و بسا که کسی را که به کار خود ولایت دهید، فرمان او را شنواتر از کس و فرمانبردارتر از کس من باشم و اگر شما را وزیر باشم بهتر که شما را امیر باشم» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ص ۱۷۳).

علی (ع) در نوزدهم ذی حجه سال ۳۵ هجری، یعنی دومین روز خلافتش برنامه ی حکومتی خویش را اعلام نمود و مبارزه شدید با شاخص های قشربندی نهادمند را در دستور کار خویش قرار داد. ذکر بخش هایی از خطبه علی علیه السلام طبق ضبط ابن ابی الحدید روشنگر دیدگاه ایشان است: «ای مردم، هر گاه من این گروه را که در دنیا فرو رفته اند و صاحبان آب و ملک و مرکب های رهوار و غلامان و کنیزان زیبا شده اند، از این فرورفتگی باز دارم و به حقوق شرعی خویش آشنا سازم، بر من انتقاد نکنید و نگویند که فرزند ابوطالب ما را از حقوق خود محروم ساخت. آن کس که می اندیشد که به سبب مصاحبتش با پیامبر صلی الله علیه و آله بر دیگران برتری دارد، باید بداند که ملاک برتری چیز دیگر است. برتری از آن کسی است که ندای خدا و پیامبر را پاسخ بگوید و آیین اسلام را بپذیرد. در این صورت، همه افراد، از نظر حقوق، با دیگران برابر خواهند بود. شما بندگان خدا هستید و مال، مال خداست و میان

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016

■ ۲۵ ■

شما بالسویه تقسیم می شود. کسی بر کسی برتری ندارد» (ابن ابی الحدید، ۱۳، ج ۷، ص ۳۷). سیاست علی (ع) را در سه زمینه حقوقی، مالی و اداری را می توان اینگونه بررسی نمود.

۱. در عرصه حقوقی اصلاحاتی در زمینه لغو میزان برتری در بخشش و عطا و یکسانی و برابر دانستن مسلمانان در عطایا، چه در حقوق و چه در واجبات بود. در نهج البلاغه اشاره می کند که «خوار نزد من گرامی است تا حق وی را باز ستانم و نیرومند نزد من ناتوان سات تا حق دیگری را از او بازستانم» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ص ۹۱).

۲. در زمینه مالی می توان موضوع را به دو وجه تقسیم نمود: نخست، ثروت های نامشروع که در روزگار عثمان به وجود آمده بود و دوم، روش برتری نهادن در عطایا. تا آنجا که امام همه آنچه را عثمان از زمین ها بخشیده بود و آنچه را از اموال که به طبقه اشراف هبه کرده بود، مصادره نمود و آنان را در بخش اموال به سیاست خود، آگاه ساخت (عادل ادیب، ۱۳۷۹، ص ۷۲). چنانکه فرمود: «ای مردم من یکی از شما میم. هر چه من داشته باشم شما نیز دارید و هر وظیفه بر عهده شما باشد، بر عهده ی من است. من شما را به راه پیامبر می برم. جز اینکه هر اقطاع که عثمان آن را به دیگران داد، باید به بیت المال بازگردانده شود. همانا هیچ چیز حق را از میان نمی برد. در عدل گشایش است و کسی که حق بر او تنگ باد، ستم بر او تنگ تر است» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ص ۳۰۹).

از این رو علی علیه السلام تمامی اقطاعات را جزء اموال عمومی قرار داد و هر آنچه از بیت المال در خانه عثمان بود به نفع صندوق دولت ضبط کرد؛ پس در حکومت آرمانی اسلام اقطاع به عنوان نماد قشربندی نهادمند ممنوع است. امام علی در اولین روزهای خلافت، جامعه ی مورد نظر و الگوی حکومتی خویش را، جامعه ی پیامبر (ص) می داند که در آن بلال حبشی برده و عمار یاسر کنیز زاده و سلمان فارسی غریبه و فاقد عصبیت عربی به سطوح

عالی ارتقا یافتند. پیامبر اوضاع اعضای جامعه را به دانه های غربال تشبیه می کند که نیروی محرکه به همه یکسان وارد می شود، تبعیض وجود ندارد، ولی دانه های درشت بر حسب درشتی خویش (شایستگی ذاتی خویش) رو می آیند و جلوه می کنند. جامعه ی آرمانی علی (ع) جامعه ی بسته (کاستی) نیست؛ بلکه جامعه ی بازی است، که افراد بر اساس شایستگی خود می توانند به جایگاه والایی ارتقا یابند. عبارت دیگری که اعتراض علی (ع) را به نهادینه شدن قشربندی، به وضوح نشان می دهد عبارت: سابقون کانوا سبقوا است. واژه «سابقون» صیغه مبالغه و «کانوا سبقوا» ماضی استمراری است، یعنی عده ای که همواره و در همه موارد پیش دستی می کردند، در حکومت علوی واپس ماند. در اندیشه ی امام علی جایگاه اجتماعی افراد معطوف به گذشته نیست، بلکه حال فعلی افراد ملاک است و این شایستگی درون را و مستمر آنهاست که جایگاه افراد را مشخص می نماید (خان محمدی، ۱۳۷۹، ص ۱۷۳).

علی (ع) سیاست اداری خویش را با انجام و پیگیری دو مورد آغاز نمود. نخست عزل والیانی که خلیفه قبل به ناروا آنان را بر مناصب حکومتی گمارده بود. این افراد عمدتاً اشخاصی بودند که بیشترین زاویه را با رسول خدا داشتند و دیگر اینکه وانهادن این مناصب به مردانی کارآزموده و مورد اعتماد. البته این عزل و نصب ها را ایشان در کمال ملاطفت انجام دادند تا باعث تحریک و تحرکات در میان امت اسلامی نشود (ادیب، ۱۳۷۹، صص ۷۵-۷۴). اگر چه که بعدها طلحه و زبیر والیان بصره و کوفه که از این اقدام علی (ع) ناراضی بودند، دست به شورش علیه او زدند که در این پژوهش به آن پرداخته نخواهد شد.

حکومت سیاسی در دیدگاه علی (ع)

علی علیه السلام حکومت و زعامت را به عنوان یک پست و مقام دنیوی که اشباع کننده ی حس جاه طلبی بشر است و عنوان هدف و ایده آل زندگی، سخت تحقیر می کند و آن را پیشیزی نمی شمارد و مانند سایر مظاهر مادی دنیا از استخوان خوکی

بی مقدارتر می‌شمارد. اما همین حکومت و زعامت را در مسیر اصلی آن یعنی به عنوان وسیه‌ای برای اجرای عدالت و احقاق حقوق و خدمت به اجتماع فوق العاده مقدس می‌داند (مطهری، ۱۳۷۰، ص ۱۰۶). ابن عباس در دوران خلافت علی (ع) بر ایشان وارد شد. در حالی که با دست خویش کفش کهنه‌ای را پینه می‌زد، از ابن عباس پرسید قیمت این کفش چقدر است؟ ابن عباس گفت هیچ. علی (ع) فرمود: ارزش همین کفش کهنه در نظر من از حکومت و امارت بر شما بیشتر است، مگر آنکه به وسیله‌ی آن عدالتی را اجرا کنم، حق را به ذی حق برسانم، یا طلبی را از میان بردارم (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ص ۸۵).

جایگاه آرمانشهر در تفکرات علی (ع)

در طول تاریخ رسالت اصلی پیامبران الهی بر دو محور توحید و برقراری عدالت بود. در قرآن نیز یکی از اهداف برانگیختن پیامبر (ص) را تحقق جامعه‌ی آرمانی دانسته شده و یکی از برترین و گرامی‌ترین آرمان‌های بشری، عدالت است که به طبع آن حفظ کرامت و عزت نفس انسان را در پی خواهد داشت که این خود به تنهایی یکی از مسائل مهم در ایجاد آرمانشهر می‌باشد (ادیب خواه، ۱۳۹۴، ص ۵۲). پس با یک بررسی اجمالی و گزیده از تفکر سیاسی و اصلاحات علی (ع) در ابتدای خلافتش و هنگام تشکیل حکومت تا حدودی با تئوری حکومت داری وی آشنا شدیم. اما به وضوح و فارغ از قضاوت‌های غیر منصفانه، می‌توان نمودی از یک گفتمان عدالت محور را در اندیشه سیاسی علی علیه السلام دید. اگرچه بخشی از متفکران امروزی غرب، عدالت را یک مفهوم اساطیری و اتوپیک می‌دانند و عدالت اقتصادی را نیز با عناوینی چون عدالت توزیعی، مفهومی عوامانه دانسته و بیشتر شبیه به رویایی گدایانه که متعلق به سوسیالیسم تخیلی است، می‌دانند. اما این مقوله در تفکر علی (ع) به صورت نهفته، هسته‌ی جهانبینی سیاسی رو او را شامل می‌شود و ما در ابتدای حکومتش این واقعیت را می‌بینیم که به صورت عجیبی بالفعل می‌گردد. تفکر خاص او را

در تمایز بین عدالت و جود می‌توان جست. آنجایی که می‌فرماید: «العدل یضع الامور موضعها و الجود یخرجها من جهتها» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ص ۷۳۴). یعنی عدل جریان‌ها را در مجرای طبیعی خود قرار می‌دهد اما جود، جریان‌ها را از مجرای طبیعی خود خارج می‌سازد. پس مفهوم عدالت در دیدگاه او این است که استحقاق‌های طبیعی و واقعی اشخاص باید در نظر گرفته شود، که اینگونه اجتماعی به مانند ماشینی خواهد شد که هر جزء در جای خود قرار گرفته است.

این تفکر عقلایی خود به تنهایی توان ایجاد یک آرمانشهر را داراست. اگر جاری شدن عدالت را در یک جامعه‌ی نوعی، بخشی از سهم تشکیل یک آرمانشهر بدانیم، پس تلاش‌ها و به ثمر نشستن‌های این تلاش‌ها هر چند به صورت مقطعی را نیز باید بخشی از یک آرمانشهر تحدید شده به لحاظ زمانی، دانست. تشکیل یک آرمانشهر در دوره‌ای پس از تنش‌ها و کنش‌های جامعه نوپای اسلامی که پس از فوت رسول خدا دچار تشویش و اضطراب قدرت طلبانه‌ای گشته بود شاید به دور از انتظار باشد. اما اگر تواریخ دست اول، توانایی انعکاس قسمتی از اندیشه و احساسات مردمی که این دوره زمانی کوتاه را سپری کردند، را می‌داشتند، شاید امروزه صحبت از یک آرمانشهر در دوران خلافت علی (ع) به دلیل منعکس نشدن نظرات عامه‌ی مردم دچار ضعف منابع نمی‌شد. با نگاهی به کالبد پایتخت حکومت علی (ع) نیز شاید بتوان رهیافتی جامع‌تر به شکل گیری آرمانشهر وی داشت. در تبیین شهر امن از دیدگاه اسلام، هنجارهای اجتماعی حاکم بر زندگی مردم به کالبد و امنیت شهر شکل داده و شهر امن اسلامی را به منصفه ظهور می‌سازد. مجموعه‌ی رفتارهای اجتماعی یک جامعه، برآیندی در تشکیل یک کالبد متناسب با این هنجارها شکل خواهد داد (بلندیان، ۱۳۹۴، ص ۱۵۷). در حالیکه در ابتدای شکل گیری شهر کوفه دارالاماره‌ای برای حاکم شهر وجود داشت، اما هیچ‌گاه در دوران علی (ع) از این

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016

■ ۲۷ ■

بنا استفاده ای نشد (ایزدی، ۱۳۷۹، ۷۵). بنابراین در شهر آرمانی تحت حاکمیت علی (ع) خانه‌ی حاکم عمارتی در مرکز شهر نیست بلکه خانه‌ای در ردیف خانه‌های سایر اعضای جامعه‌ی اسلامی است و در کالبد دارالحکومه اش نشانی از قشربندی‌های اجتماعی دیده نمی‌شود. در دیگر سو، از مهمترین شاخصه‌های بارز شهر اسلامی داشتن روابط اجتماعی و امت واحده است. همانطور که در کتاب آسمانی مسلمانان تاکید بر امت واحده شده است، در مواقعی اگر احساس شده است در جایی انسجام شهری در حال فروپاشی است، در راستای حفظ وفاق و جلوگیری از ظهور شکاف در جامعه‌ی شهری، حتی دستور تخریب مسجدی نیز صادر شده است، که مسجد ضرار از آن گونه است (مروتی، دارابی، ۱۳۹۳، ص ۱۶۳). پس اگر تفکر اسلامی به هیچ وجه تمایز و انشقاق را در جامعه‌ی مدنی بر نمی‌تابد، بدیهی است که علی (ع) نیز به این سو در حرکت است.

فرجام آرمانشهر علوی

سوال اینجاست که آیا حکومت کم دوام علی(ع) شکست خورده تلقی می‌گردد؟ در تقابل نسبی بودن مفاهیم، به جایی می‌رسیم که مفاهیمی چون شکست و پیروزی مفاهیمی هستند که دارای مختصات خاصی هستند که در چهارچوب‌های قیدی قابل تعریف اند. این مفاهیم شامل بردارهای زمانی و مکانی خاص خود هستند که در واکاوی مفهوم و زیر متن‌های مستتر در آن ما را رهنمون می‌سازد. مبنای شکست خوردگی یک اندیشه، یک متد و روش و یک نظام حاکمیتی را نمی‌توان با فاکتورهای کمی و کیفی و زمانی و مکانی در بوته‌ی قضاوت بگذاریم. یقیناً هر دوره‌ای از تاریخ از زوایای مختلفی قابل بررسی است تا بتوان نقاط ضعف و قوتش، شکست و پیروزی نهایی اش را مورد بررسی قرار دهی. سوال دقیق تر اینجاست که بپرسیم آیا اندیشه‌ی عدالت محورانه و رفرمیست علی(ع) شکست خورده است؟ آیا حق طلبی به عنوان یک مفهوم قابل شکست است؟ آیا کمیت مدت زمان

آرمانی در یک جامعه می‌تواند فاکتوری باشد برای تعیین پیروز و مغلوب؟ در پاسخ به این سوالات در ذهن به این نکات خواهیم رسید که هیچ گاه پویایی و ادامه‌ی روند یک اندیشه در یک جامعه دلیل عینی یک پیروزی محسوب نخواهد شد. همینطور که قلت و کثرت پیروان یک اندیشه دلیل جامعی بر پیروزی آن اندیشه نیست. گاهی شکست و پیروزی در نقاط مختلفی از زمان، معانی متفاوتی دارند و گاهی مفهوم پیروزی، برای جمعیتی که بر جمعیتی فائق می‌آیند اینگونه معنا نخواهد شد. اگر به چنگ آوردن یک حکومت و حفظ آن با هر ابزاری و به هر روشی یک موفقیت محسوب گردد، چنگ نیانداختن و به هر قیمتی متوسل به حفظ حاکمیت نشدن هم در این منطق یک شکست تلقی خواهد گردید. در صورتی که اگر شیوه‌های ماکیاویستی و سکولاریستی را برای کسب قدرت، مد نظر داشته باشیم یقیناً فاصله‌ی ما با قضاوت منصفانه برای تعریف شکست و پیروزی یک اندیشه زیاد خواهد بود. شاید پیروزی را اگر، حرکت و نیل به سمت یک اندیشه‌ی درست و آرمانی بدانیم، تلاش ما برای ایجاد و حفظ این مکتب، خود یک پیروزی ارزشمند محسوب خواهد شد.

نتیجه گیری و جمع‌بندی

همانطور که گفته شد، آرمانشهرهایی که تاکنون در تفکرات مختلف غرب و شرق شکل گرفته، همواره بر پایه‌ی انسان کامل بوده است. انسانی که محوریت آرمانشهر را بر عهده دارد و عدالت و فضل وی از ابتدا تا غایت سرنوشت افراد تحت زعامت و کفایتش را به فرجام می‌رساند. در آرمانشهر افلاطون و آرمانشهر فارابی به وضوح نقش کلیدی این انسان کامل شرح و بسط داده شده است. علی (ع) به عنوان فردی که کمال انسانی او برای مسلمانان جهان امری پوشیده نیست و همه‌گان در تکریم شخصیت برجسته‌ی او زبان به تمجید گشوده‌اند. او که از همان ابتدا در کنار برادر، استاد و رهبر خویش، محمد (ص) بالیده و به جایگاه انسان کامل عصر خویش و اعصار قبل

از دیدگاه امام علی علیه السلام»، مجله علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم، شماره ۱۱.

- خلیلی، محمدعلی (۱۳۴۸)، «زندگانی حضرت علی (ع)»، تهران، اقبال.

- روویون، فردریک (۱۳۸۵)، «آرمان شهر در تاریخ اندیشه غرب»، ترجمه عباس باقری، تهران، نشر نی.

- سادات، محمد علی (۱۳۶۰)، «آشنایی با مکتب‌ها و اصطلاحات سیاسی»، تهران، انتشارات هدی.

- صلیبا، جمیل (۱۳۷۰)، «واژه‌نامه فلسفه و علوم اجتماعی»، ترجمه کاظم برک نیسی، صادق سجادی تهران، نشر حکمت.

- عادل، ادیب (۱۳۷۹)، «زندگانی تحلیلی پیشوایان ما (ائمہ دوازده گانه)»، ترجمه دکتر اسدالله مبشری، تهران گلشن.

- فارابی، ابونصر (۱۹۹۳)، «سیاسه المدینه»، بیروت، دارالمشرق.

- فارابی، ابونصر (۱۹۹۳)، «فصول المنتزعه»، تحقیق فوزی متری نجار، بیروت، دارالمشرق.

- مروتی، سهراب، دارابی، فرشته (۱۳۹۳)، «ارائه مدل ارزیابی شهر اسلامی با رویکردی بر شاخص‌های بارز شهر اسلامی در قرآن کریم»، مدیریت شهری، شماره ۳۴ بهار ۹۳، ۱۶۹-۱۵۳.

- مطهری، مرتضی (۱۳۷۰)، «سیری در نهج البلاغه»، تهران، انتشارات صدرا.

- نهج البلاغه (۱۳۷۹)، ترجمه محمد دشتی، قم، انتشارات لاهیجی.

- Adel Adeeb (1379). Analytical lives of our leaders (the twelve Imams), translation Asadullah missionary doctor, Gulshan-e Tehran.

- AdybKhvab, Mohammad Hadi (1394), utopian ideal of utopian Shi'ite cities, urban management, Issue 39 Summer 94, 56-35.

- Arasteh Khov, M. (1370), Review and outlook on social science terminology, Tehran. Gostare Publish.

- Asil, Hojat Allh (1381), Utopia in Iranian thought, Tehran, Ney Publishing.

و بعد، رسید به صورت بالقوه توانایی قرارگیری در محور آرمانشهر را داشته و در مقام عمل نیز همانطور که بحث شد، این تئوری را به سر منزل مقصود واقعی رسانیده است. پیروزی واقعی او در انجام و ایجاد آرمانشهر را در این سخنش می‌توان جست. «امروز در منطقه تحت حکومت من هیچکس نیست، مگر متنعم است. در قلمروی حکوم من پایین‌ترین سطوح زندگی هم مرفه‌اند. فقیران هم سایه بالاسر دارند و از آب گوارا می‌نوشند و از بهترین گندم و نان می‌خورند».

منابع و مآخذ

- ابن ابی الحدید معتزلی (۱۳۸۷) شرح نهج البلاغه (بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۹۶۷ م/۱۳۸۷ ق) ج ۱۳، ص ۱۹.

- ادیب‌خواه، محمد هادی (۱۳۹۴) «آرمان آرمانشهری در شهرهای آرمانی شیعی»، مدیریت شهری، شماره ۳۹ تابستان ۹۴، ۵۶-۳۵.

- آراسته‌خو، محمد (۱۳۷۰)، «نقد و نگرش بر فرهنگ اصطلاحات علمی-اجتماعی»، تهران، نشر گستره.

- اصیل، حجت‌الله (۱۳۸۱)، «آرمانشهر در اندیشه ایرانی»، تهران، نشر نی.

- افلاطون (۱۳۶۰)، «جمهور»، ترجمه فواد روحانی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

- ایزدی، حسین (۱۳۷۹)، «جغرافیای تاریخی کوفه»، تاریخ اسلام، شماره ۴ زمستان ۷۹، ۸۵-۷۲.

- بلندیان، محمد مهدی (۱۳۹۴)، «گفتمان آینده پژوهی آرمانشهری در شهرهای امن اسلامی در بستر دکترین مهدویت»، مدیریت شهری، شماره ۳۹ تابستان ۹۴، ۱۶۴-۱۳۵.

- بیرو، آلن (۱۳۶۶)، «فرهنگ علوم اجتماعی»، ترجمه باقر ساروخانی، تهران، انتشارات کیهان.

- جعفری، سید حسین محمد (۱۳۸۴)، «تشیع در مسیر تاریخ»، ترجمه دکتر سید محمد تقی آیت

اللهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

- خان محمدی، کریم (۱۳۷۹)، «قشربندی اجتماعی

- Biro, Allen (1366), Culture Social Sciences, translation Baqer Sarookhani, Tehran. Keyhan Publishing.
- Bolandian, M. (1394), utopian futures discourse in Islamic secure cities in the context of Mahdism Doctrine, Urban Management, Issue 39 Summer 94, 164-135.
- Farabi, Abu Nasr (1993), Mntzh seasons, Fawzi yards research carpenter, Beirut, Daralmshrq.
- Farabi, Abu Nasr (1993), Syas•h Almdnyh, Beirut, Daralmshrq.
- Ibn Abi al-Hadid Mu'tazili, as Nahj al-Balagha (Beirut: Dar al-Arabi Altras Rehabilitation, Second Edition, 1967 CE / 1387 AH), vol. 13, p. 19.
- Izadi, H. (1379), Historical Geography of Kufa, the history of Islam, Issue 4, Winter 79, 85-72.
- Jafari, Seyyed Hossein Mohammadi (1384), Shi'ism in the course of history, translation doctor ayatollah Seyyed Mohammad Taqi, Tehran, Islamic Culture Publications Office.
- Khalili, Mohammad Ali (1348), The Life of Imam Ali (AS), Tehran, Iqbal.
- Khan Mohammadi, Karim (1379), Social Stratification from the viewpoint of Imam Ali (AS), Journal of Political Science, University Baqer, 11.
- Morovati, S., Darabi, F. (1393), Model for Muslim city with an emphasis on clear parameters Islamic city in the Quran, Urban Management, Issue 34, Spring 93, 169-153.
- Motahari, M. (1370), Siri on Nahj al-Balagha, Tehran, Sadra Publications.
- Nahj al (1379), translated by Mohammad Dashti, Qom, LAHIJI publications.
- Plato (1360), The Republic, translation Fuad Rouhani, Tehran, translation and publication of the book.
- Rvvyn, Frederick (1385), Utopia in the intellectual history of the West, translation Abbas Bagheri, Tehran. Ney Publishing.
- Sadat, Muhammad Ali (1360), Understanding Mktb Ha and political terms, Tehran, Hoda Publications.
- Saliba, Jamil (1370), dictionary Philosophy and Social Sciences, translation K. Burke founded, honest sajadi Tehran, Hekmat publishing.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016

■ ۳۰ ■